



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - مصادف با: ۴ جمادی الاولی ۱۴۴۶  
آیه نبأ - اشکال محقق اصفهانی به شیخ انصاری - شرح رساله حقوق - پیامدهای نظر حرام - مهم ترین نتیجه ترک نگاه حرام  
سال شانزدهم  
جلسه: ۳۳

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم برای اثبات حجیت خبر واحد به آیاتی از قرآن استناد شده؛ اولین آیه، آیه معروف به نبأ است، عمدتاً دو تقریب برای استدلال به این آیه ذکر شده، ضمن اینکه تقریب های دیگری نیز وجود دارد. این دو تقریب یکی مفهوم وصف است و دیگری مفهوم شرط.

شیخ انصاری تقریب استدلال از طریق مفهوم وصف را آمیخته با یک اضافه ای ارائه کردند که برخی به ایشان اشکال کردند که نیازی به آن نیست. اضافه ای که شیخ انصاری اینجا ذکر کردند این بود که درست است که آیه دلالت می کند بر انتفاء لزوم تبیین در صورت انتفاء وصف فسق، یعنی اگر شخص عادل بود تبیین لازم نیست. لکن خبر عادل امرش دائر بین دو چیز است، (اگر فاسق نبود لازم نیست جستجو کند) یا باید بگوییم خبر عادل مطلقاً مردود است، که این لازمه اش این است که عادل اسوء حالاً از فاسق باشد، از فاسق حالش خراب تر باشد که نمی شود به این ملتزم شد. یا باید ملتزم به پذیرش خبر عادل مطلقاً شویم. این قسمت را شیخ انصاری گانه برای متمیم استدلال لازم دیدند و ذکر کردند.

#### اشکال محقق اصفهانی به شیخ انصاری

ایشان یک اشکالی به شیخ انصاری کردند، به نظر ایشان تا اینجا که منطوق آیه دلالت بر وجوب تبیین و تفحص از خبر فاسق می کند بحثی نیست؛ منتهی کسانی که قائل به مفهوم هستند می گویند انتفاء وصف یدل علی انتفاء الحكم، اگر مخبر فاسق نبود تبیین لازم نیست، فثبت المطلوب؛ وقتی می گوید تبیین لازم نیست، یعنی خبر پذیرفته می شود ولی به نظر شیخ انصاری انتفاء الحكم عند انتفاء الوصف مطلب را تمام نمی کند و باید این مطلب را ضمیمه کنیم.

محقق اصفهانی می گوید یک صورت این ذیل لازم است و آن اینکه وجوب تبیین وجوب نفسی باشد، اما اگر وجوب شرطی باشد نیاز به این اضافه نیست.

معنای وجوب نفسی تبیین این است، که جستجو کردن، واجب است، اما نه از باب مقدمیت برای عمل به خبر، بلکه فی نفسه واجب است. «فتبیینوا» امر به تبیین و تفحص می کند و امر نیز ظاهر در وجوب نفسی است، یعنی وجب لنفسه لا لغيره. اگر وجوب تبیین نفسی بود، مثل وجوب نماز که به خاطر خودش واجب شده است، حرف شیخ درست است، زیرا وقتی وجوب تبیین نفی می شود، یعنی دیگر تفحص نسبت به خبر عادل لازم نیست. اما این ملازمه ندارد با پذیرش خبر او، چون یک فرض این است که آن را رها

کنیم. اگر عادل خبر آورد تفحص نکنیم، معنایش این است که خبرش را قبول کنیم؟ لذا در این صورت نیاز به این اضافه دارد، این استدلال برای اینکه تکمیل شود باید مقدمه اخیر که شیخ انصاری ذکر کردند، اضافه شود.

اما اگر وجوب تبیین را شرطی بدانیم یعنی بگوییم تبیین و تفحص درباره خبر عادل واجب است اما لا لئفسه بل لغیره، به معنای اینکه شرط قبول خبر فاسق این است که تبیین بشود. اگر یک فاسقی برای شما خبر آورد بر شما واجب است که تبیین کنید، برای اینکه اگر بخواهید به خبر عمل کنید باید درستی آن مشخص شود. که این می شود یک وجوب شرطی و غیری که می خواهد ببینید این خبر درست است یا خیر، پس اگر می خواهید به خبر عمل کنید باید تبیین کنید. اگر ما وجوب تبیین را شرطی دانستیم در مورد خبر عادل وقتی نفی وجوب شرطی تبیین می شود، به این معناست که خبر او را بپذیرید و دیگر لازم نیست تفحص کنید، چون وجوب تبیین برای عمل به خبر فاسق بود، حال که این شخص فاسق نیست فاسق نیست دیگر برای عمل به خبر او تبیین لازم نیست. این اشکالی است که محقق اصفهانی به شیخ انصاری کردند.<sup>۱</sup>

#### سوال:

استاد: می گوید اگر فاسق خبری برای شما آورد جستجو کنید که حرفش درست است یا خیر. این یعنی آنکه خبر فاسق حجت نیست، به حرف او اعتماد نکنید. حال اگر عادل خبر آورد برای عمل به خبر عادل تبیین لازم نیست. این اشکالی است که محقق اصفهانی به شیخ انصاری کردند و به نظر می رسد قابل قبول است.

#### سوال:

استاد: اشکالاتی که ما نسبت به این آیه داریم بیان خواهیم کرد، فعلا بحث در این است که آیا این اضافه لازم است یا خیر؟ ... این مفهوم وصف و شرط یک مسئله است و وجوب نفسی و شرطی یک مسئله دیگر است، فرض این است که اینجا مفهوم وصف است و مفهوم شرط را بعدا بیان می کنیم، بحث این است که «فتبینوا» آیا نفسی است یا شرطی؟ ... خیر؛ «فتبینوا» یعنی خبر مخبر فاسق... حال اگر این وصف منتفی شد، به جای فاسق یک عادل خبر آورد، دیگر تبیین بر شما واجب نیست. کدام تبیین؟ تبیین برای عمل به خبر فاسق واجب بود، الان هم می گوید للعمل بغير العادل تبیین لازم نیست. شرطی بودن یعنی شرط العمل بالخبر، طبق فرض این وجوب شرطی است. ایشان می گوید وقتی ما وجوب تبیین را شرطی بدانیم دیگر نیازی به این اضافه شیخ انصاری نداریم. این اضافه در صورتی لازم است که ما وجوب تبیین را نفسی بدانیم.

#### بحث جلسه آینده

باید بررسی کنیم که آیا می شود از طریق مفهوم وصف استدلال کرد و خبر واحد را حجت دانست یا خیر؟

#### شرح رساله حقوق

#### خلاصه جلسه گذشته

امام سجاد(ع) فرمودند که راه های کمک به حفظ حق این عضو چند راه است. یعنی اسباب و وسائل یاری کننده انسان برای اینکه از این عضو در مسیر حرام استفاده نکند و فقط آن را در جهت حلال به کار گیرد چند راه است. یکی غض البصر است.

<sup>۱</sup> نهایه الدرايه، ج ۲، ص ۷۴

فرمودند «فانه من اعون الاعوان» ما این را توضیح دادیم که چرا اعون الاعوان است، چرا فرو انداختن چشم، (نه چشم بستن، این را از ما نمی خواهند که چشممان ببندیم و با چشم بسته در خیابان راه برویم) و پلک را پایین انداختن اعون الاعوان است؟ توضیح دادیم که این بدان جهت است که چشم دروازه آگاهی و معرفت انسان است، (در بخشی از معرفت ها، نه اینکه منحصر به این باشد) گفتیم تصویری که با دیدن در ذهن انسان نقش می بندد در ذهن و در روح و قلب انسان پردازش می شود و سبب می شود یک سری تصاویر و اوهام را تولید کند و خدای نکرده انسان به حرام می افتد. این یک گلوگاه است، چشم برای قوه شهوت و اینکه این قوه در مسیر حرام استفاده شود و یا حلال، یک گلوگاه است. برای همین است که امام (علیه السلام) فرمود «فانه من اعون الاعوان» این را توضیح دادیم.

### پیامدهای خطرناک نظر حرام

اشاره به برخی از روایات کردیم که چگونه چشم و گوش در قلب و روح انسان اثر می گذارد. نگاه کردن واقعا آثار بسیار سوء و پیامد های منفی دارد، نگاه کردن حرام، نگاه کردن غیر مشروع. زیرا نگاه کردن می تواند منشأ خیلی از مشکلات باشد که به چند نمونه از این مشکلات اشاره می کنم،

#### ۱. انصراف از یاد خدا

اولین اثر سوء نگاه ناروا منصرف شدن انسان از ذکر و یاد خداست. نگاه ناروا انسان را از ذکر خدا دور می کند، این روایت را دقت کنید «لَيْسَ فِي الْجَوَارِحِ أَقْلٌ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ ، فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۱</sup> هیچ عضوی در بدن ناسپاس تر از چشم نیست، «اقل شکر» در میان اعضای بدن دست و پا به این اندازه ناسپاسی ندارند، شاید هم به خاطر میدان مانوری است که چشم دارد، چشم در میان اعضای بدن از همه ناسپاس تر است. زیرا مهمترین ناشکری این است که از این عضو در یک مسیر غیر مشروع استفاده شود، این بدترین ناسپاسی است. لذا برای اینکه یعنی چشم گرفتار ناسپاسی نشود و از ذکر خدا غافل نگردد فرماید «فلا تعطوها سؤلها» همه خواست هایش را اجابت نکنید، به محض این که چیزی دلش خواست به او ندهید، انسان بدون اختیار و اراده نگاه نمی کند، دلش می خواهد نگاه کند، این می شود درخواست چشم؛ اگر همان موقع راهش را ببندید مشکل حل می شود ولی اگر این درخواست های او را اجابت کنید و اجازه بدهید که هرزگی کند انسان را از یاد خدا باز می دارد و دل انسان مکدر می کند، قلب انسان را از نورانیت می اندازد، مانع درک حقائق و معارف می شود.

#### ۲. کاشتن بذر هوا و هوس در دل انسان

یکی دیگر از آثار مهم نگاه ناروا کاشتن بذر هوا و هوس در دل انسان است. یعنی نگاه موجب می شود بذر هوا و هوس در دل انسان کاشته شود و سپس به مناسبت های مختلف شروع می کند به رشد کردن، شما یک بذری که در یک خاک حاصل خیز می کارید، بعد آن را آبیاری و سپس نگاه داری می کند تا پس از مدتی به یک درخت تنومند تبدیل می شود. می گوید نگاه ناروا، یعنی آن نگاهی که نباید باشد گرامی اسلام(ص) می فرماید «إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظْرِ؛ فَإِنَّهُ يَبْدُرُ الْهَوَى ، وَ يُؤَلِّدُ الْغَفْلَةَ»<sup>۲</sup> فضول النظر، یعنی نگاه های رها و هرزه، همان چشم چرانی، می فرماید: از این نگاه بپرهیزید، زیرا این کار موجب می شود که بذر هوا و هوس در قلب انسان کاشته شود و میوه آن غفلت خواهد بود، میوه و محصول این بذر غفلت است، همان که الان اشاره کردیم «فلا تعطوها

<sup>۱</sup> بحار، ج ۱۰، ص ۱۰۶.

<sup>۲</sup> بحار، ج ۶۹، ص ۱۹۹.

سولها» درخواست هایش را اجابت نکنید که این موجب غفلت از ذکر خدا می شود، اینجا نیز همین است، می فرماید این بذری که شما در دلتان می کارید میوه و ثمره اش غفلت است.

### ۳. فتنه

سومین اثر و پیامد منفی نگاه ناروا ایجاد فتنه و تحریک شهوت است. عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) به یارانش می فرماید «إِبَاكُمُ وَالنَّظْرَةَ، فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً»؛<sup>۱</sup> بپرهیزید از نگاه حرام، زیرا این موجب این می شود که در دل شما بذر شهوت کاشته شود این در در روایت قبلی بود و اینجا ما این حیث که «و کفی لصاحبه ها فتنه» منجر به فتنه می شود را ذکر کنیم. به هر حال نگاه سر از فتنه در می آورد.

### ۴. حسرت

در برخی روایات یکی از مهمترین آثار نگاه حرام را حسرت بیان کردند. وقتی کسی نگاه ناروا می کند، خدای نکرده به یک صحنه ای که نظر به آن جایز نیست، نگاه کند شهوت تحریک می شود، بذر هوا کاشته می شود و یک اثر منفی دیگر بر جای می گذارد و آن حسرت است، آه و حسرت، یعنی دلش چیزی می خواهد که دسترسی به آن ندارد، حسرت است، همواره ای کاش ای کاش می کند، به زبان نمی آورد، اما آن حالت حسرت در او می باشد.

حضرت علی(ع) می فرماید: «کم من نظره جلبت حسره»<sup>۲</sup>؛ چه بسیار نگاه هایی که حسرت به دنبال خودش دارد امام صادق (ع) هم می فرمایند «کم من نظره أورثت حسره طویله»<sup>۳</sup> چه نگاه های ناروایی که حسرت طولانی مدت را بر دل ناظر قرار می دهد. داستان های مربوط به این خطا زیاد است. کسانی که با یک نگاه گرفتار مشکلاتی شدند و حسرت هایی که برای آنها پیش آمد تا جایی که حتی ایمان خودشان را از دست دادند.

### ۵. گرفتار شدن در دام شیطان

در روایت دیگری تعبیر دام شیطان برای نگاه به کار رفته است، یعنی نگاه یک دام است. وقتی هم که انسان در این دام گرفتار شد دیگر خلاصی از آن مشکل است، پس یکی از مهمترین آثار نگاه ناروا گیر افتادن است، گیر کردن است، انسان در یک دامی گرفتار می کند که نمی تواند بیرون بیاید.

حضرت علی(ع) می فرماید «العیون مصائد الشیطان»<sup>۳</sup> چشم ها دام های شیطان هستند، محل صید است یعنی بهترین وسیله برای اینکه شیطان انسان را صید کند نگاه است، دیگر با نگاه کنترل انسان در دست شیطان است.

اگر بخواهیم این آثار را بیان کنیم، کم نیستند. برای همین است که این همه بر حفظ و مراقبت از نگاه تأکید شده است.

### مهمترین نتیجه ترک نگاه حرام

این روایت را از رسول خدا همه شنیدید که «النظر سهم مسموم من سهام إبلیس، فمن ترکها خوفا من الله أعطاه الله إیماناً یجد حلاوته فی قلبه»<sup>۴</sup> نظره و نگاه ناروا، یک تیر مسمومی از تیرهای شیطان است، کسی که خودش را مراقبت کند و ترک کند این گناه را برای خدا و نه برای دیگران، خداوند ایمانی را در دل او ایجاد می کند که او شیرینی آن را حس می کند. یعنی درک حلاوت

<sup>۱</sup> بحار، ج ۷۵، ص ۲۸۳.

<sup>۲</sup> بحار، ج ۶۸، ص ۲۹۳.

<sup>۳</sup> بحار ج ۷۴ ص ۲۹۴

<sup>۴</sup> من لا یحضر، ج ۴، ص ۱۸.

ایمان، این یعنی یک کرامت و نعمت اعطایی از طرف خداوند. یک وقت یک کسی نگاه نمی کند چون دور و برش کسانی هستند و او با خودش می گوید در مقابل اینها این کار زشت است او این کار را لغیرالله می کند؛ یک وقت برایش فرق نمی کند کسی باشد یا نباشد، او خودش را حفظ می کند کسی که برای خدا خودش را از معرض این سهام و تیرهای مسموم خارج کند خداوند حلاوت و شریینی ایمان را در قلب او قرار می دهد.

«عقبه» بلافاصله به دنبال این یک ایمان قلبی در دل او پدید می آید که شریینی آن را احساس می کند.

«والحمد لله رب العالمین»